



دانشگاه پیام نور

دانشگاه پیام نور مرکز تهران

دانشکده علوم انسانی

گروه علمی حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته: حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان پایان نامه:

سیاست کیفری کرامت مدار

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمدرضا الهی منش

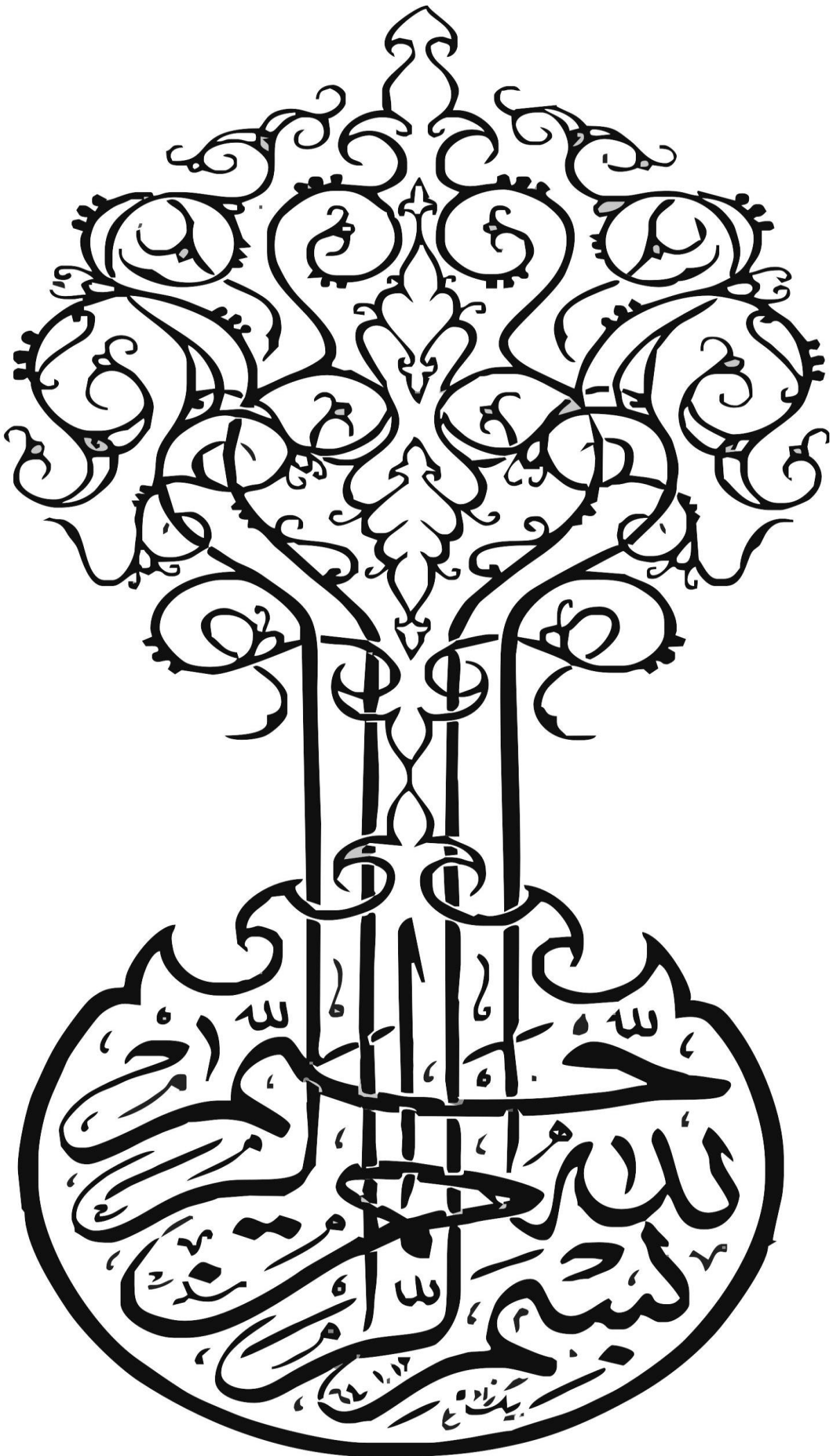
استاد مشاور:

جناب آقای دکتر ناصر قاسمی

نگارش :

« پرویز نیلی »

مهر ۱۳۹۰



فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات و مفاهیم و مبانی سیاست کیفری و کرامت انسانی.....	۸
بخش اول: تبیین مفهوم سیاست کیفری و کرامت انسانی.....	۹
مبحث اول: مفهوم سیاست کیفری.....	۹
گفتار اول: سیاست.....	۹
گفتار دوم: کیفر.....	۱۰
گفتار سوم: سیاست کیفری.....	۱۲
مبحث دوم: مفهوم سیاست جنایی.....	۱۴
مبحث سوم: تفاوت سیاست کیفری و سیاست جنایی.....	۱۵
مبحث چهارم: اصول حاکم بر سیاست کیفری.....	۱۷
گفتار اول: اصل قانونی بودن مجازات.....	۱۷
گفتار دوم: اصل تساوی مجازات.....	۲۰
گفتار سوم: اصل شخصی بودن مجازات.....	۲۱
گفتار چهارم: اصل فردی کردن مجازات.....	۲۲
مبحث پنجم: تبیین مفهوم کرامت انسانی.....	۲۳
گفتار اول: تعریف لغوی کرامت انسانی.....	۲۳
گفتار دوم: تعریف اصطلاحی کرامت انسانی و انواع آن.....	۲۴
گفتار سوم: مبانی نظری کرامت ذاتی انسان.....	۲۶
مبحث ششم: تبیین مفهوم سیاست کیفری کرامت مدار.....	۲۸
بخش دوم: ماهیت سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران.....	۳۰
مبحث اول: کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۳۰
گفتار اول: اتکاء نظام جمهوری اسلامی ایران به کرامت و ارزش والای انسان.....	۳۱
گفتار دوم: آزادی و کرامت ابناء بشر به عنوان سرلوحه اهداف قانون اساسی.....	۳۱
گفتار سوم: ممنوعیت استفاده ابزاری از زن و ایمان به کرامت والای او.....	۳۲
گفتار چهارم: تکلیف دولت در احترام به کرامت ذاتی انسانها.....	۳۳

گفتار پنجم: احترام به حیثیت و کرامت انسانی در سایر اصول قانون اساسی.....	۳۳
مبحث دوم: کرامت انسانی در قوانین کیفری ماهوی ایران.....	۳۴
مبحث سوم: مبانی سیاست کیفری در شریعت جزایی اسلام.....	۳۵
گفتار اول: اهداف مجازاتها در حقوق کیفری اسلام.....	۳۶
بند اول: عوامل تأثیرگذار بر مجازات ها در حقوق کیفری اسلام.....	۳۷
بند دوم: تأثیر اندیشه های جزایی اسلام در تحول مجازات.....	۳۸
بند سوم: اسلام و سیاست کیفری.....	۳۸
فصل دوم: کرامت انسانی در مقررات ماهوی سیاست کیفری.....	۴۰
بخش اول: ویژگی های مجازات در یک نظام کیفری کرامت مدار.....	۴۱
مبحث اول: تناسب مجازاتها و معیارهای آن.....	۴۱
گفتار اول: جرم ارتكابی.....	۴۲
گفتار دوم: تقصیر مرتکب و بزه دیده.....	۴۳
گفتار سوم: تناسب مجازاتها با یکدیگر.....	۴۴
گفتار چهارم: فایده اجتماعی.....	۴۵
مبحث دوم: انسانی بودن مجازات.....	۴۶
مبحث سوم: تعزیرات.....	۴۹
گفتار اول: فلسفه تعزیرات.....	۵۲
گفتار دوم: قلمرو تعزیرات.....	۵۴
گفتار سوم: میزان و نوع تعزیرات.....	۵۶
مبحث چهارم: مجازاتهای بازدارنده.....	۵۹
مبحث پنجم: ضمانت اجراهای نوین اجتماعی محور جایگزین مجازاتهای سستی.....	۶۱
بخش دوم: آثار و مقتضیات کرامت انسانی در حقوق کیفری ماهوی.....	۶۳
مبحث اول: تعویق اجرای مجازات.....	۶۳
گفتار اول: تعلیق اجرای مجازات.....	۶۴
گفتار دوم: آزادی مشروط.....	۶۵
گفتار سوم: تخفیف مجازات.....	۶۵
گفتار چهارم: تبدیل مجازات.....	۶۶
مبحث دوم: ضرورت رعایت کرامت انسانی در مرحله اجرای مجازاتها.....	۶۶
گفتار اول: ممنوعیت مجازاتهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده.....	۶۹
گفتار دوم: ممنوعیت مجازاتهای غیرضروری.....	۷۲
مبحث سوم: تحدید دامنه مداخله حقوق جزا در منطقه فضای آزاد رفتاری شهروندان.....	۷۳
مبحث چهارم: ممنوعیت تبعیض در وضع قوانین کیفری.....	۷۸

مبحث پنجم: لزوم توجه به حقوق بزه دیدگان در حقوق کیفری ماهوی.....	۷۹
گفتار اول: لزوم احترام به شان و منزلت بزه دیدگان.....	۸۰
گفتار دوم: حق ارائه دیدگاهها و دل نگرای های بزه دیدگان.....	۸۰
گفتار سوم: حق تأمین امنیت.....	۸۰
گفتار چهارم: حق جبران خسارت و پرداخت غرامت.....	۸۰
گفتار پنجم: حق کمک رسانی مناسب.....	۸۱
فصل سوم: کرامت انسانی در مقررات شکلی سیاست کیفری.....	۸۳
بخش اول: دادرسی عادلانه.....	۸۴
مبحث اول: تضمینات شکلی و ماهوی مربوط به حقوق متهم.....	۸۵
گفتار اول: رعایت اصل برائت.....	۸۵
گفتار دوم: حق رهایی از دستگیری و بازداشت غیرقانونی و خودسرانه.....	۸۸
بند اول: دستگیری توسط ضابطین دادگستری.....	۸۸
بند دوم: بازداشت موقت توسط مقام قضایی.....	۸۹
گفتار سوم: تقویت حقوق دفاعی متهم.....	۹۱
گفتار چهارم: ممنوعیت شکنجه.....	۹۲
گفتار پنجم: تشکیل پرونده شخصیت بزهکار.....	۹۵
مبحث دوم: اصول دادرسی منصفانه در ارتباط با بزه دیده.....	۹۷
مبحث سوم: اصول و ضوابط مربوط به دادگاه و قاضی رسیدگی کننده.....	۹۸
گفتار اول: حق مساوی افراد در دسترسی به دادگاههای صالح.....	۹۸
گفتار دوم: لزوم رسیدگی توسط قضات صالح و متخصص و بیطرف.....	۹۹
گفتار سوم: علنی بودن محاکمات.....	۱۰۱
گفتار چهارم: رسیدگی در یک مدت معقول و بدون تأخیر.....	۱۰۳
گفتار پنجم: حق تجدیدنظر خواهی.....	۱۰۴
مبحث چهارم: ضرورت رعایت کرامت انسانی پس از اجرای مجازات.....	۱۰۶
گفتار اول: قاعده منع محاکمه مجدد.....	۱۰۷
گفتار دوم: سایر تضمینات.....	۱۰۸
بخش دوم: ممنوعیت استفاده ابزاری از انسان در حقوق کیفری.....	۱۱۰
مبحث اول: تعریف اصل ممنوعیت استفاده ابزاری از انسان در حقوق کیفری.....	۱۱۱
مبحث دوم: مبانی نظری اصل ممنوعیت استفاده ابزاری از انسان در حقوق کیفری.....	۱۱۱
مبحث سوم: مصادیق استفاده ابزاری از انسان در حقوق کیفری.....	۱۱۲
گفتار اول: اعمال مجازاتهای شدید و نامتناسب جرایم ارتكابی.....	۱۱۲
گفتار دوم: شکنجه و آزار و اذیت به منظور اخذ اقرار و گرفتن اطلاعات.....	۱۱۳

- گفتار سوم: استفاده از مواد نارکوتیک و دستگاه دروغ یاب جهت کشف حقیقت..... ۱۱۳
- گفتار چهارم: سپردن سرنوشت دعوای عمومی به دست حکومت..... ۱۱۴
- گفتار پنجم: سپردن سرنوشت متهم به دست شاکی خصوصی در دعوای عمومی..... ۱۱۵
- بخش سوم: اعاده حیثیت مجرمان..... ۱۱۵
- مبحث اول: مفهوم و مبانی و آثار اعاده حیثیت..... ۱۱۶
- مبحث دوم: اعاده حیثیت در نظام حقوقی ایران..... ۱۱۹
- گفتار اول: محکومیت کیفری..... ۱۲۰
- گفتار دوم: محرومیت از حقوق اجتماعی..... ۱۲۲
- گفتار سوم: شرایط اعاده حیثیت (اعاده حقوق اجتماعی به محکوم)..... ۱۲۴
- بند اول: اجرای مجازات..... ۱۲۵
- بند دوم: انقضای مواعیدی معین..... ۱۲۶
- بند سوم: عدم ارتکاب جرم جدید..... ۱۲۷
- مبحث سوم: آثار اعاده حیثیت در نظام حقوقی ایران..... ۱۲۸
- نتایج و پیشنهادها..... ۱۳۲
- فهرست منابع..... ۱۳۴

تشکر و قدردانی

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/ ۷۰)

سپاس و ستایش خداوندی را سزااست که انسان را به بهترین شکل آفرید و با موهبت عقل و اندیشه و آزادی اراده و اختیار و وجهه و نفخه الهی خویش او را کرامت بخشید و بر همه مخلوقات عالم برتری داد.

مراتب سپاس خود را محضر استاد راهنمای بزرگوارم جناب آقای دکتر محمد رضا الهی منش که در نهایت صبر و شکیبایی مشوق و راهنمای من در این طریق کاملاً سخت و طاقت فرسا بوده اند و همواره در تمامی مراحل این پژوهش با راهنمایی ها و رهنمودهایشان بر حسن آن افزوده اند ابراز می دارم که این اثر مرهون الطاف و زحمات آن بزرگوار می باشد و از خداوند متعال برای ایشان توفیق بیشتر مسئلت می نمایم.

از محضر استاد گرامی جناب آقای دکتر ناصر قاسمی که با ارشادات ارزنده خویش در جهت غنی ساختن این تحقیق یاریم دادند و زحمت مشاوره این پایان نامه را بر عهده گرفتند صمیمانه قدردانی و سپاسگزاری می نمایم و از خداوند منان طلب یاری برای ایشان می نمایم.

همچنین لازم می دانم از پدر دلسوز و مادر فداکارم که همیشه پشتیبان من در تمام مراحل زندگی بوده اند تشکر نمایم و سلامتی و طول عمر با عافیت آن عزیزان را از درگاه خداوند آرزو می کنم.

چکیده

سیاست کیفری، بنیان کلیدی تنظیم قوانین کشور و مهندسی کیفری عکس العمل مناسب در برابر جرم و مجرم و برخورد موفقیت آمیز در مواجهه با جرم و مجازات می باشد.

کرامت انسانی حیثیتی است که تمامی انسانها به جهت داشتن توانایی تعقل، قدرت انتخاب و آزادی اراده و نفخه الهی، بطور فطری از آن برخوردارند. و امری ذاتی و غیرقابل انفکاک از انسان بوده و چیزی نیست که با ارتکاب جرم زایل شود.

کرامت ذاتی، که در مقابل کرامت اکتسابی است؛ در فرآیند جرم انگاری و دادرسی کیفری، از مداخله غیرضروری حقوق جزا جلوگیری می کند و در واقع با ارائه معیارها و ضوابطی مثل منع مجازاتهای ظالمانه و نامتناسب و همچنین منع مجازات مضاعف، شکنجه و استفاده ابزاری از انسان، حاکمیت کیفری دولت را محدود کرده است.

مراد از سیاست کیفری کرامت مدار، تعامل کرامت ذاتی انسان با مقررات سیاست کیفری است و سیاستی است که در کلیه مراحل خود از مرحله جرم انگاری تا اجرای مجازات و اعاده حیثیت، کرامت انسانی را در رأس اهداف و سرلوحه تمامی برنامه های خود قرار دهد و به کرامت ذاتی انسان ارزش و احترام گذارد. نمونه کامل این نوع سیاست کیفری را می توان در سیاست کیفری اسلام مشاهده کرد.

واژگان کلیدی:

سیاست کیفری، کرامت انسانی، مجازات، حقوق کیفری، حقوق کیفری ایران، حقوق بشر، سیاست کیفری اسلام.

مقدمه:

به منظور روشن شدن چارچوب کلی طرح پژوهش مربوط به موضوع سیاست کیفری کرامت مدار در این مقدمه به تبیین موضوع، اهداف و کاربردهای تحقیق، سؤالات و فرضیه های تحقیق، روش انجام تحقیق، پیشینه تحقیق و تقسیم بندی مطالب می پردازیم.

الف) تبیین موضوع

در کنار بلاای طبیعی، یکی از خطراتی که همواره زندگی بشر را به چالش کشیده است؛ جرم و انحراف از مقررات اجتماع است. بشر برای مقابله با این پدیده در طول تاریخ به راه حل های مختلفی متوسل شده است. یکی از قدیمی ترین این راه ها، پاسخ کیفری به پدیده مجرمانه بوده است. در طول تاریخ تمدن بشری این پاسخ بر حسب آداب و رسوم و فرهنگ جوامع و سطح اعتلای اندیشه آنها متفاوت بوده است. خصوصیت اساسی این نوع پاسخ به پدیده مجرمانه بهره گیری از ابزار کیفر می باشد، برخلاف سایر پاسخ ها که ناظر به پیشگیری و اصلاح و درمان و بسیاری برنامه های غیررسمی می باشند. مجموعه تمام این پاسخ های کیفری و غیرکیفری به پدیده مجرمانه، سیاست جنایی نامیده می شود؛ که مشخصاً پاسخ های کیفری در آن، سیاست کیفری نامیده می شود.

مجازات از ضروریات زندگی انسان است و در حال حاضر طریق غالب مبارزه با بزهکاری می باشد. اما باید توجه داشت که از دیرباز جوامع از اعمال مجازات اهداف خاصی را دنبال می کردند که به مرور زمان و هم گام با پیشرفت جوامع این اهداف نیز تغییر یافت تا اینکه امروزه هدف اغلب جوامع و همچنین کشور ما، از اجرای مجازات، اصلاح و بازدارندگی مجرم و سایر افراد جامعه می باشد. بنابراین هر نظام کیفری باید در یک چهارچوب سنجیده و اندیشیده شده با توجه به شرایط و اوضاع و احوال آن جامعه در راستای اهداف از پیش تعیین شده، به وضع مجازات پردازد.

مجازات واکنشی است که به طور ذاتی با درد و رنج همراه است و تمامیت جسمانی و روانی انسان را در بر می گیرد. انسانی که فارق از رنگ و نژاد و طبقه، به جهت داشتن توانایی تعقل و

اندیشه و قدرت انتخاب و آزادی اراده و وجهه و نفخه الهی به طور فطری و یکسان با دیگر انسانها دارای شرافت و حیثیتی است که جزء ذاتی و لاینفک وجود اوست و به هیچ عنوان از او سلب نمی‌شود. بنابراین در اینجا است که رابطه مجازات و کرامت انسانی نمایان می‌شود، به این صورت که در تعیین مجازات و اجرای آن باید یکسری حداقل‌هایی را در خصوص مجرم رعایت نمود و از اعمال رفتارهایی که موجب هتک حرمت و حیثیت وی می‌شود و همچنین از شکنجه کردن وی پرهیز نمود.

احترام به کرامت انسانی یکی از شاخص‌های اصلی هر نوع سیستم کیفری به شمار می‌رود. در سیاست کیفری به لحاظ خصوصیت سرکوبندگی و استفاده از ابزار کیفر در آن خطر زیر پا گذاشتن حیثیت و کرامت انسانی وجود دارد. برای اجتناب از این خطر، بایستی سیاست کیفری به تبیین الگوها و ضوابط و اهداف خود در راستای احترام به کرامت انسانی پردازد. به عبارت دیگر، سیاست کیفری زمانی خواهد توانست کرامت مداری را رعایت کند که در تمام مراحل و مؤلفه‌های خود شامل مرحله جرم‌انگاری، تعیین و اجرای مجازات‌ها و دادرسی کیفری، کرامت انسانی متهم و بزه دیده را رعایت کند.

رعایت کرامت انسانی در برخورد با بزهکاران نقش اساسی در مقبولیت مجازات در افکار عمومی دارد و از این طریق اعتماد عمومی به دستگاه قضا افزایش می‌یابد. البته به این مسأله نیز باید توجه کرد که از رأفت و رحمت بیش از حد به مجرم به بهانه رعایت کرامت انسانی، باید خودداری شود؛ زیرا در این صورت مجازات جنبه بازدارندگی خویش را از دست داده و سبب افزایش انتقام‌های خصوص می‌شود؛ به این صورت که وقتی بزه دیده حقوق از دست رفته خویش را با اجرای مجازات جبران شده نیابد، در مقام انتقام خصوصی بر می‌آید.

بنابراین در تعیین مجازات و اجرای آن می‌بایستی از یک سیاست اندیشیده و سنجیده و متکی به اصول و اهداف از پیش تعیین شده پیروی نمود تا با اجرای مجازات هم اهداف ملحوظ نظر قانونگذار محقق شود و هم از ایراد نقض کرامت انسانی در امان باشد. به همین جهت در این تحقیق سعی شده است که به بررسی اصول و ضوابط حاکم بر سیاست کیفری، معیارهای تعیین مجازات و اجرای آن با رویکردی کرامت‌مدار پرداخته و رابطه سیاست کیفری و کرامت انسانی تبیین شود. بنابر آنچه گفتیم مراد ما از کرامت انسانی در این تحقیق، کرامت ذاتی انسان است. و با توجه به این نکات مراد ما از سیاست کیفری کرامت‌مدار، تعامل کرامت ذاتی انسان با مقررات سیاست کیفری است. و از آنجایی که سیاست کیفری به لحاظ تفاوت با سیاست جنایی شامل کلیه مراحل مداخله دستگاه کیفری از مرحله جرم‌انگاری تا مرحله اجرای مجازات و حتی پس از

اجرای مجازات می شود، مراد ما از سیاست کیفری کرامت مدار، رعایت کرامت ذاتی انسان در کلیه این مراحل می گردد. بنابراین می توان سیاست کیفری کرامت مدار را سیاستی دانست که در تمام مراحل و مؤلفه های خود از مرحله جرم انگاری تا اجرای مجازات و اعاده حیثیت، کرامت انسانی را در رأس اهداف خود و سرلوحه تمامی برنامه های خود قرار دهد و به کرامت ذاتی انسان، ارزش و احترام گذارد.

ب) اهداف و کاربردهای تحقیق

۱- اهداف تحقیق

به لحاظ انتقاداتی که به اجرای برخی مجازاتها در داخل کشور از سوی جامعه جهانی تحت لوای عدم رعایت کرامت انسانی و حقوق بشر، مطرح شده است؛ بر آن شدم که موضوع حاضر «سیاست کیفری کرامت مدار» را به عنوان پایان نامه انتخاب نمایم و به بررسی این مسأله بپردازم که آیا واقعاً انتقادات مطرح شده به مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی وارد است یا خیر؟ و در نهایت با عنایت به اهداف مجازات در دین مبین اسلام که توجه اساسی آن به اصلاح و تربیت مجرمین است، مدلی نو از سیاست کیفری طراحی شود که در چارچوب اصول و مبانی پذیرفته شده شرع مقدس اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خصوصاً اصل دوم آن باشد؛ به این جهت که این اصل تضمین کننده کرامت و ارزش والای انسانی می باشد و به ویژه اینکه در بند ۶ اصل دوم نیز کرامت و ارزش والای انسان هم عرض با سایر اصول پذیرفته شده نظام مقدس جمهوری اسلامی بیان شده است. این تحقیق به صورت کلی و جزئی در صدد نیل به اهداف ذیل است:

- ۱- تبیین جامع ارکان سیاست کیفری و مراحل آن.
 - ۲- شناخت کامل نسبت به مقوله کرامت انسانی و ارتباط آن با حقوق کیفری.
 - ۳- تبیین و تعیین رویکرد سیاست کیفری ایران نسبت به کرامت انسانی.
 - ۴- بررسی آثار و مقتضیات کرامت انسانی در حقوق کیفری.
 - ۵- ارائه مدلی پیشنهادی از سیاست کیفری کرامت مدار.
- در پایان امید است که یافته ها و نتایج حاصل از این تحقیق بتواند در آتیه در وضع قوانین مفید واقع گردد.

۲- کاربردهای تحقیق

قوه قضاییه می تواند با استفاده از یافته ها و نتایج این تحقیق، لوایح قضایی متناسب تهیه نموده و بدین ترتیب مقنن را در قلمرو سیاست جنایی تقنینی یاری نماید و زمینه را برای اصلاح و بازنگری قوانین و کاهش تناقض های موجود فراهم آورد. از طرف دیگر انجام این تحقیق می تواند به بازبینی پیش فرض های موجود در مورد انسان و کرامت او منجر گردد. این تحقیق با ارائه راه حل های اساسی جهت کاهش تعارض های موجود میان نظام حقوق کیفری ایران و حقوق بشر زمینه را برای حرکت در فرآیند جهانی شدن حقوق کیفری فراهم می آورد. خلاصه آنکه نگارنده امیدوار است این اثر گام مثبتی در توسعه و پیشرفت حقوق بشر باشد.

ج) سؤالات و فرضیه های تحقیق

۱- سؤالات تحقیق

مطابق با موضوع تحقیق حاضر که در قسمت تبیین موضوع کلیتی از آن بیان شد، سؤالات اساسی که مد نظر این تحقیق است به شرح زیر می باشد:

- ۱- چگونه ارتکاب جرم می تواند کرامت انسانی انسان را زایل کند؟
- ۲- با اتکاء به منابع وضع قانون، امکان تعیین ضمانت اجراهای نوین اجتماعی محور جایگزین مجازاتهای فعلی وجود دارد؟
- ۳- سیاست کیفری ایران در مؤلفه های جرم انگاری و تعیین و اجرای مجازاتها، چگونه می تواند کرامت انسانی را رعایت کند؟

۲- فرضیات تحقیق

مطابق با سؤالات مطرح شده فوق می توان فرضیات زیر را در خصوص موضوع این پایان نامه بیان نمود:

- ۱- اصولاً کرامت انسانی، جزء ذاتی و لاینفک وجود انسان است و با ارتکاب جرم قابل سلب نمی باشد.
- ۲- در مجازات های تعزیری و بازدارنده، امکان تعیین مجازات های متنوع با رویکردی کرامت مدار وجود دارد.
- ۳- به نظر می رسد، سیاست کیفری ایران در پاره ای از مؤلفه های خود نتوانسته است کرامت انسانی را رعایت کند و سعی قانونگذار رعایت کردن آن می باشد.

د) روش تحقیق

با توجه به ماهیت این موضوع و اکثر مطالعات علوم انسانی و بخصوص حقوق، که عموماً با مراجعه به منابع کتابخانه ای به نگارش در می آیند؛ در این تحقیق نیز اطلاعات جمع آوری شده از منابع مختلف به صورت فیش برداری از آنها به روش کتابخانه ای، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در انجام این پایان نامه از دو روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است؛ بدین صورت که پس از توصیف ارکان سیاست کیفری و مؤلفه های کرامت مداری در سیاست کیفری، به تحلیل این یافته ها بر اساس منطق حقوقی پرداخته ایم. به این ترتیب که با بهره گیری از آیات نورانی قرآن کریم در کنار منابع فارسی و عربی موجود، محتوای اصلی کار فراهم گردیده و برای تکمیل مباحث از قوانین داخلی و مقررات بین المللی نظیر معاهدات، کنوانسیون ها و عرف بین المللی استفاده شده است. اگرچه نمی توان منکر تأثیر گرایشات ذهنی هر شخص بر نحوه نگارش وی شد، اما در این تحقیق سعی شده است در تحلیل مطالب از جانب داری های افراطی پرهیز شود و تا سر حد امکان هر آنچه که صحیح تر و جامع تر بوده، بیان شود.

البته ذکر این نکته نیز لازم است که با توجه به حجم وسیع کار به جهت کلیت موضوع و وجود دیدگاههای پراکنده در خصوص هر یک از موضوعات، سعی شده مباحث در حد ضرورت گسترش داده شود و از زیاده روی در هر مورد که سبب اطناب شود، خودداری شود. بدیهی است هر یک از این عناوین مطرح شده قابلیت تحلیل و نقد در قالب یک پایان نامه و تحقیق جداگانه را دارد. به همین جهت نگارنده مدعی آن نمی باشد که به تمام مسائل مربوط به موضوع پرداخته است، بلکه تمام تلاش بر این است که موضوعات مهم و اساسی مطرح شود.

ه) پیشینه تحقیق

مقوله سیاست جنایی به عنوان یکی از شاخه های اصلی حقوق کیفری از حدود یک صده پیش توجه متفکران در این حوزه را به خود جلب کرده است. به تبع این موضوع کارهای تألیفی متعددی نیز در این حوزه به رشته تحریر درآمده است، که تعداد آنها به زبان فارسی فراوان است. در حوزه سیاست کیفری به عنوان یکی از شاخه های سیاست جنایی نیز کارهای تألیفی متعددی به زبان فارسی نگارش یافته است. اما در خصوص سیاست کیفری کرامت مدار کار تألیفی به چشم محقق نخورده است. مطالعات انجام شده در خصوص موضوع این پایان نامه، مؤید این مطلب است که در منابع موجود، مباحث «کرامت انسانی» و «سیاست کیفری» هر یک بطور مستقل

مورد بحث قرار گرفته است. در خصوص کرامت انسانی می توان، به کتاب «کرامت در قرآن» آقای عبدالله جوادی آملی، کتاب «نظام های حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب» و مقاله «حق کرامت انسانی» علامه محمد تقی جعفری و همچنین مقاله «دین و کرامت انسانی» آقای رحیم نوبهار اشاره نمود و در خصوص «سیاست کیفری» نیز علمای علم حقوق در کتب حقوق جزای عمومی به طور پراکنده بحث نموده اند؛ که علی رغم کثرت کتب حقوقی، بحث منسجمی در این خصوص صورت نگرفته است. اما نکته اساسی، رابطه ای است که میان «سیاست کیفری» و «کرامت انسانی» باید برقرار نمود. زیرا محور اصلی سیاست کیفری، اعمال مجازات به انسان می باشد؛ انسانی که دارای کرامت ذاتی است و اعمال مجازات مستقیماً تمامیت جسمانی و روحانی او را مورد هدف قرار می دهد. بنابراین پایان نامه ای که تحت این عنوان خاص می باشد وجود ندارد، لیکن برخی از پایان نامه ها نظیر، پایان نامه کارشناسی ارشد آقای مجتبی فرح بخش با عنوان «مبانی مشروعیت مجازات» و پایان نامه کارشناسی ارشد آقای فریدون جعفری با عنوان «تحلیل مجازات اعدام در جرایم مستوجب تعزیر و مجازاتهای بازدارنده»، تحت یک مبحث فرعی به بخشی از این رابطه پرداخته اند. اما در خصوص رابطه مطروحه فی مابین سیاست کیفری و کرامت انسانی می توان به کتاب «کرامت انسانی در حقوق کیفری» تألیف آقای اسمعیل رحیمی نژاد و همچنین مقاله «به سوی مجازات های هرچه انسانی تر» آقای رحیم نوبهار اشاره نمود. لکن با دقت در این منابع درمی یابیم، که صرفاً به تعیین معیارهای مربوط به رعایت کرامت انسانی در تعیین و اجرای مجازات با تکیه به اسناد بین المللی پرداخته اند، بی آنکه به بررسی هر یک از انواع مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی بپردازند. به این ترتیب در این تحقیق سعی شده است که با توجه به منابع موجود به بررسی مجازاتهای مقرر با رویکردی کرامت مدار پرداخته شود و در مبحث مقررات شکلی نیز تکیه بر قوانین داخلی و بیان نواقص موجود باشد.

و) تقسیم بندی مطالب

با توجه به عنوان تحقیق حاضر که «سیاست کیفری کرامت مدار» می باشد و با عنایت به اینکه سیاست کیفری علاوه بر مرحله وضع مجازات شامل تعیین مجازات در عمل نسبت به مجرم و اجرای مجازات نیز می باشد، بنابراین در این تحقیق علاوه بر بحث در خصوص مقررات ماهوی سیاست کیفری، مقررات شکلی سیاست کیفری نیز بررسی شده است. به این ترتیب مطالب این تحقیق در سه فصل جداگانه ارائه گردیده است:

فصل اول که کلیات، مفهوم و مبانی سیاست کیفری و کرامت انسانی این پایان نامه را تشکیل می دهد، مشتمل بر دو بخش است: بخش اول به تبیین مفهوم و مبانی سیاست کیفری و کرامت انسانی و انواع آن و سیاست کیفری کرامت مدار و بخش دوم به مسائل مربوط به سیاست کیفری از قبیل تفاوت سیاست کیفری و سیاست جنایی، اصول حاکم بر سیاست کیفری، ماهیت سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران و مبانی سیاست کیفری در شریعت جزایی اسلام اختصاص یافته است.

فصل دوم، به بررسی کرامت انسانی در مقررات ماهوی سیاست کیفری می پردازد، که شامل دو بخش است: بخش اول مربوط به ویژگی های مجازات در یک نظام کیفری کرامت مدار که شامل تناسب مجازات و انسانی بودن آن و در ارتباط با مجازاتهای تعزیری و بازدارنده و مجازاتهای نوین اجتماعی محور جایگزین مجازاتهای سنتی می باشد و بخش دوم آثار و مقتضیات کرامت انسانی در حقوق کیفری ماهوی در آن مورد مطالعه قرار گرفته شده است.

فصل سوم، به بررسی کرامت انسانی در مقررات شکلی سیاست کیفری اختصاص یافته است؛ که شامل سه بخش است: در بخش اول دادرسی عادلانه و اصول و موازین آن در ارتباط با متهم، بزه دیده و دستگاه قضا و در بخش دوم ممنوعیت استفاده ابزاری از انسان در حقوق کیفری و در بخش سوم اعاده حیثیت بررسی می شود. و در پایان پس از نتیجه گیری پایانی، پیشنهادهای لازم ارائه گردیده است؛ که امید است مورد استفاده قرار گیرد.

فصل اول: کلیات و مفاهیم و مبانی سیاست کیفری و کرامت انسانی

مقدمه

با توجه به این مسئله که مجازات از ضروریات زندگی اجتماعی و طریق غالب مبارزه با بزهکاری است، بنابراین تعیین آن نیازمند رعایت اصول و قواعدی است که در قالب سیاست کیفری آشکار می‌گردد. تا از این طریق مجازاتی وضع شود که تأمین‌کننده اهداف جامعه از وضع آن باشد. به این خاطر که هر جامعه در جهت دستیابی به اهداف خاص خود، اقدام به تعیین مجازات می‌کند؛ زیرا در غیر این صورت مجازات امری لغو و بیهوده محسوب می‌شود. از طرف دیگر موضوع حقوق کیفری انسان است که مجازات به او تحمیل می‌گردد؛ انسانی که دارای کرامت انسانی ذاتی است و نظام کیفری باید یکسری حداقل‌هایی را نسبت به وی رعایت کند. بنابراین لازم است قبل از ورود به بحث اصلی در خصوص رابطه مجازات با کرامت انسانی در یک سیاست کیفری، مفهوم و مبانی سیاست کیفری و کرامت انسانی و انواع آن و همچنین مفهوم سیاست کیفری کرامت‌مدار و اصول و ضوابط حاکم بر آن روشن شود. به همین جهت در این فصل طی دو بخش به تبیین مفاهیم یاد شده مبادرت می‌گردد.

بخش اول: تبیین مفهوم سیاست کیفری

اصطلاح «سیاست کیفری» از ترکیب دو واژه «سیاست» و «کیفر» پدید آمده است. بدین لحاظ تبیین هر چه بهتر مفهوم این اصطلاح، مستلزم توضیح واژه های تشکیل دهنده آن می باشد که در ادامه به توضیح هر یک پرداخته شده است.

مبحث اول: مفهوم سیاست کیفری

گفتار اول: سیاست

واژه «سیاست» در زبان فارسی در معانی متعددی بکار رفته است و از این نظر مشترک لفظی است. گاهی به معنای اداره کشور است و معانی متعددی مانند پاس داشتن ملک، نگاه داشتن، حفاظت، حکم راندن بر رعیت، حکومت و... همگی به این معنا بر می گردد؛ که مترادف این معنا در زبان انگلیسی واژه «polo ti» می باشد.^۱

گاهی سیاست در زبان فارسی به معنای تأدیب و مجازات و مرادف واژه «punishment» در زبان انگلیسی می باشد؛ و سومین معنایی که از سیاست وجود دارد عبارت است از: سیاستگذاری و تعیین خط مشی که در این حالت واژه سیاست غالباً به شکل اضافی بکار می رود و مرادف با واژه «policy» می باشد مانند اصطلاح سیاست اقتصادی.

منظور ما نیز از واژه سیاست در اصطلاح «سیاست کیفری» معنای سوم آن می باشد، پس می توان گفت سیاست در این ترکیب به مسیر اقدام یا مسیر مورد نظر اقدام که پس از بررسی حقوق مختلف به صورت سنجیده و حساب شده اختیار و دنبال می شود و یا هدفی که باید به آن برسند، اشاره دارند. از این لحاظ می توان سیاست را «یک برنامه از پیش اندیشیده شده برای هدف و طرز عمل دانست. فرآیند سیاست عبارت است از ضابطه مندی، اعلام و بکار بستن تقاضا و چشم داشت ها.^۲»

در یک جمع بندی می توان گفت که «لفظ سیاست در این اصطلاح مفهومی است که در برگیرنده اهداف، روش ها و ابزارها می باشد. در واقع هر سیاستی بیانگر یک مجموعه ای مرتبط، منسجم و معقول می باشد و نوعی اندیشیدگی، هدایت شدگی و غایت دار بودن را می رساند. در

^۱ علی اکبر دهخدا، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، جلد نهم، چاپ دوم، دوره جدید، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۳۸۶۵.

^۲ جلال الدین قیاسی، مبانی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۲۹.

نهایت می توان گفت: سیاست، انتخاب روش ها با تعیین اولویت ها می باشد؛ که این انتخاب تحت تأثیر عوامل مختلف مخصوصاً مبانی و اصول ایدئولوژیک قرار دارد.^۱

حکومت ها نیز با طراحی سیاست های گوناگون، اهداف متعددی را دنبال می کنند. همانگونه که انسان ها از انجام اعمال خویش اهداف گوناگونی را دنبال می کند که برخی از این اهداف بسیار کلی بوده و جنبه غایی دارند. اهدافی نظیر عدالت، آزادی، تعالی انسان در این دسته قرار دارند و دسته ای دیگر از اهداف در درجه دوم اهمیت قرار دارند. در مقدمه قانون اساسی کشورمان نیز از اهدافی همچون حرکت به سوی الله، ایجاد جامعه اسوه بر اساس موازین اسلامی، پرورش انسان با ارزش های بالا و جهان شمول اسلامی، تشکیل امت واحد جهانی، فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت های متفاوت انسان و... به عنوان مهمترین اهداف جمهوری اسلامی یاد شده است. لذا سیاست کشورمان در جنبه های مختلف باید به نحوی باشد که این اهداف متعالی را محقق سازد.

گفتار دوم: کیفر

«کیفر» معادل فارسی «جزا» و به معنی مکافات نیکی و بدی است. جزا نیز ریشه مجازات می باشد. جزا واژه عربی و به معنای پاداش، سزا، عوض نیکی یا بدی است و مجازات به معنی پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی است.^۲

دکتر لنگرودی در ترمینولوژی حقوق در تعریف کیفر می نویسد: «در لغت به معنی عقوبت و مجازات است که به کسی که برخلاف قانون یا اخلاق یا عرف و عادت رفتار کرده و مرتکب عمل بد شده باشد داده می شود». و همچنین در تعریف مجازات چنان بیان می کند: «مشقتی که مقنن تحمیل به مجرم می کند».^۳

دورکیم نیز در تعریف مجازات آورده است: «مجازات عبارت است از نوعی واکنش عاطفی با شدت مقرر».^۴

در واقع می توان گفت، «مجازات عبارت است از عکس العمل جامعه، که در قالب تنبیه و کیفر بر مرتکب جرم اعمال می شود که توأم با رنج و تعب است»^۵ و از اجرای آن اهداف خاصی دنبال می شود؛ به عبارت دیگر مجازات یا ضمانت اجرای کیفری دارای بار اخلاقی است. یعنی مرتکب زمانی

^۱ سید محمد حسینی، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳، صص ۱۶ الی ۲۹.

^۲ علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۵، ص ۷۷۰۴.

^۳ محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۷۲، ص ۶۱۵.

^۴ امیل دورکیم، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، بابل، کتابسرای بابل، ۱۳۶۹، ص ۹۳.

^۵ ایرج گلدوزیان، بایسته های حقوق عمومی (۳، ۲۰۱)، نشر میزان، چاپ دوازدهم، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱.

مجازات می شود که اخلاقاً قابل سرزنش باشد چرا که مجازات در برابر جرم قرار دارد و جرم مفهومی است که بارزترین ویژگی آن غیراخلاقی بودن می باشد. لذا این سرزنش رسمی که منطقی جزء ذاتی مجازات است، نباید غیر متناسب باشد و مانع رسیدن مفهوم مجازات به هدفش که «تطبیق مجدد مجرم با جامعه است، باشد و بازسازی اجتماعی بزهکار را تهدید کند.»^۱ بنابراین گرچه مجازات ها باید موجب تحقیر مجرم و سرزنش اجتماعی شود؛ اما این تحقیر محدود به زمان اجرای مجازات است، به گونه ای که مجرم بتواند بعد از تحمل مجازات به جایگاه اجتماعی خود برگردد و همچنین نباید با کرامت انسانی مجرم در تعارض باشد. مجرم به اندازه ای که خطا کرده است باید تحقیر گردد؛ تحقیر همیشگی او، ستم بر وی است. بنابراین «مجرمان بعد از تحمل مجازات باید بتوانند حیثیت بر باد رفته خود را باز یابند.»^۲ در راستای حفظ کرامت انسانی در کنار وصف تحقیر آمیز بودن مجازات باید گفت که حدود آن مقدار احترام و ارزشی که انسان بزهکار از آن برخوردار است برحسب مکتب های فکری به یک وسعت نیست؛ در مکتب اسلام انسان دارای کرامت خدادادی است و مادام که با ارتکاب معاصی و نیز تعرض و تجاوز به دیگران این حق را از خود سلب نکند، دیگران مکلف به رعایت حق او هستند. انسان بر اثر نفخه ربوبی، دارای نیرویی شده است تا خود را بسازد و بتواند جهان را طبق مشیت الهی، تحت سیطره خویش درآورد... او از روح خدایی برخوردار است و سزاوار خدایی؛ انسان موجودی است که خیر و سعادت خو را در خیر و سعادت جامعه می جوید؛ او کریم است و رحیم، کرامت و رحمانیت او نیز منشاء الهی دارد... لیکن بزهکار آن انسان شریف که شایسته تکریم و تعظیم است دیگر نیست. ولی تحقیری که به جهت ارتکاب جرم برای خود خریده بی حد و حصر نیز نیست چرا که مجازات، آزردهن انسان ستمگری است که در برابر ستم به دیگران، قانوناً سزاوار سرزنش شناخته شده است و جز این مستحق ظلم دیگری نیست.^۳ از این رو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ملهم از تعالیم اسلامی است در اصل سی و نهم چنین مقرر می دارد: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.» لذا هر چند مجازات باعث تحقیر مجرم می شود چرا که او با تعرض به حریم جامعه و دیگران مرتکب جرم شده اما کسی حق هتک حرمت و حیثیت او را ندارد. بنابراین به رغم اینکه مجرم دچار انحراف شده است، اما خصیصه انسان بودن خود را از دست نداده است.

^۱ گاستون استفانی و دیگران، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، ضمانت های اجرایی مجازات، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۶۰۶.

^۲ عباس زراعت، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۲.

^۳ محمد علی اردبیلی، منبع پیشین، ص ۱۴۴.

بنابراین در تحمل مجازات به وی باید نهایت دقت را به خرج داد تا زمینه برگشت وی به اجتماع فراهم گردد و در غیر این صورت نه تنها برگشت پذیری بزهکار را با مشکل مواجه می کند بلکه در اغلب اوقات به بزهکاری ثانوی وی نیز منتهی می گردد. و از طرفی ضرورت رعایت کرامت انسانی در اجرای مجازات و منع هتک حرمت و حیثیت او نباید دستاویز شود تا مجازات ها بسیار سبک در نظر گرفته شود، به گونه ای که به هیچ وجه خاصیت بازدارندگی نداشته باشد؛ و از طرفی نیز مجنی علیه احساس کند عدالت تحقق نیافته و خودش دست به انتقام شخصی بزند. لذا در این راستا مجازات باید در ذات خود یک تلخی و سختی داشته باشد تا به هدف اصلی خویش در جامعه دست یابد. چرا که مهرورزی بیش از حد و بدون حساب نه تنها اثر سازنده ندارد و افراد جامعه آن را نمی پسندند بلکه در بسیاری اوقات مانع پیشرفت و اصلاح خواهد شد.

بنابراین می توان سه ویژگی ذیل را بارزترین ویژگی مجازات دانست:

- ۱- مجازات فقط از سوی جامعه تحمیل می شود و دولت به نمایندگی از جامعه به تعیین آن می پردازد و نوعی «پاسخ دولتی در برابر جرم است»^۱
 - ۲- مجازات فقط برای اعمال مجرمانه ای که در قانون تعریف شده اند اعمال می شود و شامل انحراف نمی شود.
 - ۳- تمامی مجازات ها خصیصه سلب حق از مرتکب را دارند؛ از سنتی ترین آن ها مثل اعدام تا مدرن ترین آن ها مثل کارهای عام المنفعه.
- البته شاید این ایراد مطرح شود که ویژگی سوم را نمی توان مختص مجازات ها دانست چرا که سایر ضمانت اجراها نظیر ضمانت اجراهای مدنی و اداری نیز قطعاً با سلب حق همراه هستند، اما در پاسخ می توان گفت: همانطور که اشاره شد، ضمانت اجرای کیفری در مقایسه با سایر ضمانت اجراها نوعی سلب حق است که بار اخلاقی را به همراه دارد و به دلیل همین قابلیت سرزنش مرتکب هست که با این سلب حق از سوی جامعه مواجه می شود.

گفتار سوم: سیاست کیفری

با توجه به تعاریفی که از سیاست و کیفر به عمل آمد؛ مفهوم اصطلاح «سیاست کیفری» تا حد زیادی روشن شده و مفهوم آن خیلی دور از تک تک اجزای آن نمی باشد. برای اولین بار دانشمند آلمانی، فوئرباخ در کتاب «حقوق جزا» در سال ۱۸۰۳ «سیاست کیفری» را اینگونه تعریف نمود:

^۱ کریستین لاژرژ، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، جلد اول، نشر یلدا، تهران، ۱۳۷۵، ص ۵۶.